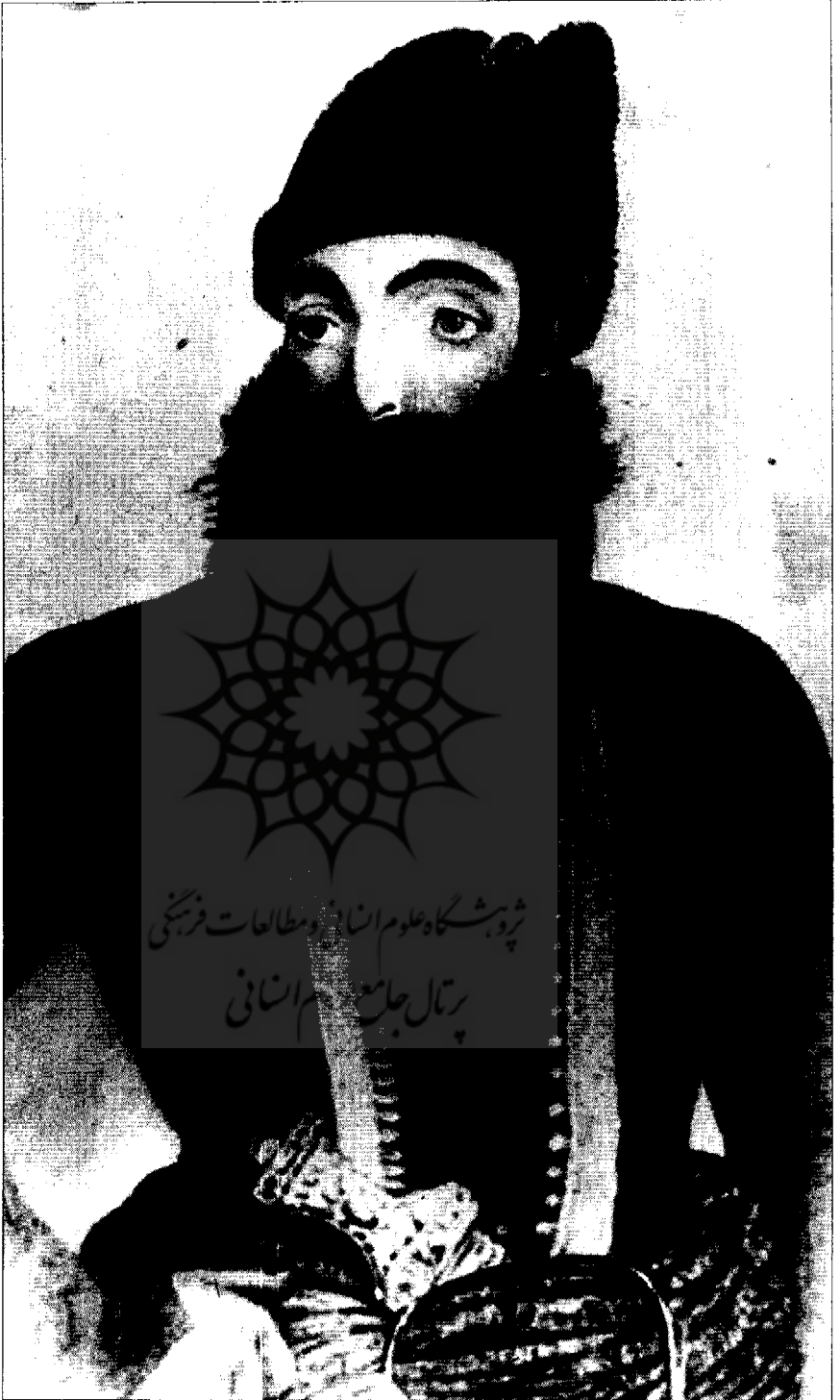


در بررسی نامه های تاریخی، گاهی متن نامه آنقدر گویا و جذاب است که از هر تفسیری بی نیازش می سازد. نامه فتحعلی شاه قاجار به پسرش عباس میرزا، بی شک از این دست است. این نامه که در مجموعه شخصی دکتر فرهاد فرجام نگه داری می شود، از بسیاری جهات منحصر به فرد است. روشن است که متن نامه شخصاً به دست شاه نوشته شده است و لحن خودمانی پدری را دارد که بسیار از فرزندش خرسند است.

نامه در قطع ۲۹×۴۲ سانتی متر، با مرکب سیاه بر روی کاغذی ضخیم به رنگ آبی نوشته شده است. جدول آن به رنگ صورتی چرک، و حاشیه آن به رنگ نیلی تیره است. در حاشیه تشعیر طلایی و حل کاری به چشم می خورد، در بالای سر لوح دو شیر نشسته به رنگ طلایی ترسیم شده اند و در قسمت بالای داخل جدول مهر فتحعلی شاه با نوشته "السلطان فتح علی" به چشم می خورد که دور آن به زیبایی هر چه تمام تر تذهیب شده، و سر لوح نامه نیز تشعیر و طلااندازی شده است. در میان خطوط نامه نیز طلااندازی بین سطور دیده می شود. در بخش اصلی سمت چپ، نامه به خط نستعلیق تحریری نوشته شده، و در بخش سمت راست به علت کمبود جا خطوط فشرده تر و فاصله بین آن ها کمتر است.

متن نامه بدین قرار است که آن را برای رعایت امانت عیناً و با اشتباهات املائی آورده ام:

مقرر آنکه قره باصره خلافت و شهریاری و عزه ناصبه شوکت و جهاننداری
فرزند کامکار نامدار نایب السلطنه بمواطف مترادف خاطر شهریاری معزز
و مباهی بوده بداند عریضه بخاکپای مبارک نوشته بودی رسیده مضمونش





معلوم رای جهان آرای شهریاری گردیده بارک اله بارک اله روی تو سفید
 حقیقت مردانگی کردی خدمتیکه قابل پادشاهی بود از پیش بردی بارک
 اله مارا از خود رضا نموده ای الحمدالله که مارا پیش پادشاهان خجالت
 ندادی و خدمت نمایانی کردی و خود را سر افراز نمودی و مارا از خود
 رضا کردی اگرچه در این دولت زحمت بسیار کشیدی ولیک الحمدالله
 نام نیک در عالم گذاشتی بارک اله بارک اله حالا حسایی حالا حسایی
 حالا آنچه از قبله عالم خواهش نمایی بجا و بسیار هم بجا و زود هم
 بجایی میرسد آنچه خواهش نمایی از راه مرحمت التفات بفرمایم الحق که
 جا دارد هرچه بخواهی و هر چه بگویی قبول خواهم فرمود خاستیم انعامی
 بسرفرازی تو مرحمت بفرمایم هر چه فکر فرمودیم چیزی باشد که تو را
 خوش بیاید بفکر مبارک چیزی نرسید مگر پول نقد از راه التفات به انعام
 تو ده هزار تومان پول نقد از صندوقخانه مرحمت فرمودیم بازیافت نما
 چون الله یار خان را مامور نموده ایم آمده است اگر خدمت و کاری باشد
 در اینجا که بسیار خوب خدمت خواهد کرد اگر در آنجا ها خدمت کلی
 نباشد او را پر معطل ننمایید که در درخانه کسی نیست منحصر به الله یار
 خان است وجودش بسیار ضرور است اگر خدمت کلی باشد که خودش
 چه بهتر اگر خدمتی نباشد و کاری نباشد البته الله یار خان را چندان
 معطل نخواهید نمود و روانه خاکپای مبارک خواهید کرد دیگر آنکه یک
 سه چهار نفر غلام بچه ارمنی خوب اگر در اینجاها پیدا کنی از برای ما
 بفرستید بد نیست چرا که غلام بچه های ما تمامی نزارک (?) شده اند
 و کار ما معطل است اگر پیدا شود عوض سوقاتی بسیار خوب است که
 بخاکپای مبارک بفرستید از برای خدمت نمودن خوب است

مهر فتحعلی شاه در بالای نامه و انشا و دست خط آن شکی باقی نمی گذارد که شاه
 شخصاً نامه را به تحریر درآورده است، و عبارت فرزند کامکار " نایب السلطنه"، نشان می
 دهد که خطاب نامه قطعاً عباس میرزاست، زیرا وی از سال ۱۲۱۳ هجری قمری ملقب به
 نایب السلطنه می شود. با توجه به اشاره شاه به آوردن غلام بچه های ارمنی خوب برای
 سوغات، می توان نتیجه گرفت که در هنگام ارسال نامه عباس میرزا در قفقاز بوده، و قاعدتاً
 نامه پس از یکی از پیروزی های وی در یکی از نبردهای اول ایران و روس (۱۲۱۹ تا ۱۲۲۸)
 نوشته شده است. رضایت فراوان شاه از عملکرد عباس میرزا در این نامه بر این گمان صحه
 می گذارد. وجود اشتباهات املائی در چند جای نامه نشان می دهد که نامه به کاتب درباری
 تقریر نشده، و توسط خود شاه نوشته شده است.

اشاره فتحعلی شاه به این که "الله یارخان" را با وجه نقد برای عباس میرزا می فرستد، از



• فتحعلی شاه، اثر میرزا بابا، ۱۲۱۲ هجری قمری •

مسافت دور میان عباس میرزا و پایتخت نشان دارد. الله یارخان به احتمال قوی فرزند محمد خان بیگلر بیگی دولو قاجار یوخاری باش، رجل سیاسی دوران فتحعلی شاه و صدر اعظم اوست که سال ها بعد از نگارش این نامه در ۱۲۴۰ هجری قمری لقب آصف الدوله را دریافت کرد. حکایت زندگی آصف الدوله و کارشکنی های او در جریان جنگ های اول ایران و روس در رساندن آذوقه و تجهیزات به عباس میرزا و بی تدبیری هایش در جریان جنگ های دوم ایران و روس، خود حدیثی مفصل است. طرفه آنکه سال ها بعد خیر مرگ عباس میرزا، این شاهزاده دلیر، را همین الله یارخان به فتحعلی شاه می رساند. در صفحه ۱۸۶ کتاب هفت پادشاه آمده است:

”خبر مرگ عباس میرزا قبل از همه در تهران به گوش شاهزاده علیشاه ظل السلطان برادر تنی او رسید، ولی او جرئت دادن این خبر را به پدر نداشت. لذا این ماموریت خطیر به عهده الله یارخان آصف الدوله محول شد. شاهزاده عضبدالدوله که گویا خود شاهد صحنه آگاهی یافتن پدر از مرگ عباس میرزا بوده می نویسد: وقتی آصف الدوله این خبر را با تمهید مقدماتی به اطلاع فتحعلیشاه رساند بی اختیار گریه می کرد و اشک از ریش او می ریخت ولی حضرت شهریار خم به ابرو نیاورد! همین که عرض آصف الدوله تمام شد شاهنشاه فرمود: الهیارخان انصاف نکردی که گفתי در هر ولایت یک عباس میرزا داری. می بایست عرض کنی بعد از هفتاد سال عمر با این کثرت اولاد و چهل سال سلطنت دیدی که از دنیا بی اولاد و بلاعقب رفتی.“

اشاره شاه به اینکه ”هر چه فکر کردیم بسرافرازی تو مرحمت بفرماییم که تو را خوش بیاید“ نشان از طبع والای عباس میرزا دارد که خود را از هدایای مرسوم بی نیاز می داشته است. بی شک جالب ترین قسمت نامه بخش انتهایی آن است که شاه بعد از ابراز علاقه نسبت به بازگشت سریع الله یارخان، به فکر سوغاتی خودش می افتد و از عباس میرزا ارسال سه چهار غلام بچه ارمنی خوب را می خواهد و اشاره می کند که غلام بچه های فعلی به علت نزار شدن کار شاه را معطل گذاشته اند. تصور حال عباس میرزا از این درخواست پدر تاجدارش آن هم در بحبوحه جنگ با یکی از چند ابرقدرت جهان، چندان دشوار نیست. این نامه مانند یک عکس فوری زوایای منحصر به فرد دربار شاهی را بازمی تابد که بخش های وسیعی از سرزمین ایران را از دست داد.

در پایان فرصت را مغتنم می شمارم تا قدردانی ام را از راهنمایی های استاد فرزانه آیدین آغداشلو ابراز دارم که زحمت کارشناسی و تعیین اصالت اثر را بر عهده داشتند، و در خواندن متن و درک صحیح معانی آن از هیچ کمکی به این شاگرد کم مایه دریغ نفرمودند. همچنین از آقای دکتر فرهاد فرجام سپاس گزارم که با سخاوتمندی امکان دسترس و مطالعه این نامه تاریخی را برایم مهیا ساختند.